

Criticism and analysis in Quranic citations of the historical events in the beginning of Islam in Tabari's history

(Case study: Investigating the claim of Muhammad's (pbuh) secret love for Zainab and referring to verse 37 of Surah Ahzab)

Leili Abdi' / Mohammad Ja'far Ashkwari' / Khosrow Kamali Sarvestani'

(DOI): [10.22034/SKH.2022.13280.1298](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.13280.1298)

Abstract

Original Article

P 147 - 168

Muslim historiography initially had many links with Quranic verses. In this way that the historian tried to use Quranic verses as confirmation in reporting historical events. Tabari is one of the historians who documented historical events with Quranic verses. The purpose of this research, which was carried out in a descriptive-analytical method, is to deal with the main issue of how correct it was to cite verses in the report of historical events in Tabari's history? studies indicate that Tabari cited verses with the aim of confirming and strengthening historical reports. But he in some cases has had errors. Among them is verse 37 of Surah Ahzab, which refers to the story of Zayd's separation from Zainab bint Jahsh and then the marriage of the Prophet (PBUH) with her. By quoting fake narrations, Tabari considered the main reason for the separation of Zayd and Zainab to be the love of the Prophet (PBUH) for Zainab. He made a love story by misunderstanding some phrases in the mentioned verse and referring to it, and has used it in order to confirm his own ideas. This negligence can be seen as a result of his superficial understanding of the verses and lack of analysis, which is specifically mentioned in this study.

Keywords: Quranic quotations, Tabari, Prophet Muhammad (pbuh), Zainab bint Jahsh, verse 37 of Ahzab

1- history groop,zanjan university,zanjan,iran. leyliabdi223@gmail.com

2- Assistant Professor of History of Islamic Nations, university of Zanjan , Zanjan, Iran, ashkevvari@znu.ac.ir.

3 - Assistant Professor, Department of History, Zanjan University. khkamalis@gmail.com

Received: 2022/07/04 | Accepted: 2022/09/13



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

**نقد استنادهای قرآنی وقایع تاریخی صدر اسلام در تاریخ طبری
(مطالعه موردی: بررسی ادعای علاقه پنهان محمد ﷺ به زینب و استناد به آیه ۳۷
سوره احزاب)**

لیلی عبدی^۱ | محمد جعفر اشکواری^۲ | خسرو کمالی سروستانی (نویسنده مسؤل)^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2022.13280.1298

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۶۸/۱۴۷

چکیده

تاریخ‌نگاری مسلمانان نخست پیوندهای زیادی با آیات قرآنی داشت؛ به این صورت که مورخ سعی می‌کرد از آیات قرآنی به‌عنوان تأیید در گزارش رویدادهای تاریخی استفاده کند. طبری یکی از مورخان است که ضمن گزارش وقایع تاریخی آنها را با آیات قرآنی مستند کرده است. هدف از پژوهش حاضر، که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، این است که به این مسئله اصلی بپردازد که استناد به آیات در گزارش وقایع تاریخی در تاریخ طبری به چه میزان صحیح بوده است؟ بررسی‌ها حاکی از آن است که طبری با هدف تأیید و تقویت گزارش‌های تاریخی به آیات استناد کرده است. اما در برخی موارد دچار آسیب‌هایی شده است. از جمله آنها آیه ۳۷ سوره احزاب است که به ماجرای جدایی زید از زینب بنت جحش و سپس ازدواج پیامبر ﷺ با وی اشاره دارد. طبری با نقل روایات مجعول، علت اصلی جدایی زید و زینب را عشق و علاقه قلبی پیامبر ﷺ به زینب قلمداد کرده، و با برداشت غیرصحیح از برخی عبارات موجود در آیه مذکور و استناد به آن، یک داستان عاشقانه ساخته، و آن را برای تأیید عقاید خویش به کار برده است. این سهل‌انگاری‌ها را می‌توان ناشی از برداشت سطحی او از آیات و عدم تحلیل آنها دانست که به‌طور خاص در این مطالعه ذکر شده است.

واژگان کلیدی: استنادهای قرآنی، طبری، حضرت محمد ﷺ، زینب بنت جحش، آیه ۳۷ احزاب.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه زنجان، ایران. Leyliabdi223@gmail.com

۲- گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، ایران. ashkevari@znu.ac.ir

۳- گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان، ایران، khkamalis@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲



مقدمه

در اسلام کلام خداوند فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخن است. اهمیت و جایگاه منحصر به فرد قرآن سبب شده تا استناد به قرآن همواره مهم‌ترین و رایج‌ترین روش در احتجاجات و مناظرات مسلمانان و نویسندگان مسلمان در آثارشان باشد. به طوری که قلقشندی (د. ۷۹۱ ق) در کتابش به نقل از جاحظ (د. ۲۵۵ ق) استفاده از آیات قرآن و احادیث نبوی را امری واجب برای کاتب قلمداد می‌کند. به گفته او استفاده از آیات و احادیث از محاسن کلام و دلیل رونق و انسجام آن است که به شیوه‌های فراوانی صورت می‌گیرد؛ همچون استناد و استشهاد برای استدلال و خاتمه دادن به نزاع، تضمین و... (قلقشندی، ۱۳۳۲: ۱/ ۱۹۱)

تاریخ‌نگاری در دوره اسلامی با سیره، مغازی، فتوح و طبقات آغاز شد. تا اینکه در قرن سوم هجری تواریخ عمومی به وجود آمدند. یعقوبی (د. ۲۸۴ ق) و سپس طبری (د. ۳۱۰ ق) از نخستین افرادی بودند که زمینه عمومی به نگارش پرداختند. در این میان، طبری با تألیف دو اثر، *چهره‌های شاخص* به شمار می‌رود. *جامع البیان عن تأویل القرآن و تاریخ الرسل و الانبیاء و الملوک و الخلفاء* که هر دو در حوزه خود به نوعی کم‌نظیر محسوب می‌شوند. *تاریخ الرسل و الملوک*، که بیشتر به تاریخ طبری مشهور است، یکی از تواریخ قدیمی عمومی است که طبری در لابه‌لای گزارش‌های تاریخی با آوردن سخنان شخصیت‌های اصلی تاریخ از جمله پیامبر ﷺ، صحابه، خلفا، حاکمان و... فراوان از آیات قرآن استفاده کرده است.

طبری افزون بر اینکه یکی از مورخان مشهور است، مفسری توانمند نیز است و با آیات قرآن کاملاً آشنایی دارد، بنابراین فرهنگ دینی در همه‌جا بر قلم طبری حکم فرماست. همین مهارت و علاقه او به قرآن سبب شده است که مایه‌های اصلی تاریخ وی را آیات قرآنی تشکیل دهند و رویدادها را با آیات قرآنی ارزشیابی کند. بنابراین طبری با استناد به آیات، افزون بر تبیین بهتر وقایع تاریخی در پی اثبات ادعا و سخن خود نیز است و به همین دلیل برای داشتن روایتی موثق و درعین حال اثرگذار به آیات قرآن استناد می‌کند.

این پژوهش در پی آن است تا درستی و نادرستی این استنادات را بررسی کند و پیش از ورود به بحث نیز لازم است به این نکته اشاره شود که مراد از استناد قرآنی در این پژوهش، اعم از استناد مستقیم و استناد غیرمستقیم است؛ به عبارت دیگر در مواردی که آیه‌ای از قرآن ضمن یک روایت یا گزارش تاریخی در تاریخ طبری، به صورت غیرمستقیم مورد استناد واقع شده، از نظر پژوهش حاضر استناد قرآنی محسوب می‌شود.

درباره پیشینه موضوع باید اشاره کرد که نقد و بررسی استنادات قرآنی وقایع تاریخی در تاریخ طبری از مباحثی است که کمتر به آن پرداخته شده و تنها می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «دو استناد قرآنی در منابع تاریخی درباره وقایع صدر اسلام»^۱ از جرالد هاوتینگ اشاره کرد. در این مقاله که سیدعلی آقایی آن را ترجمه کرده، نشان داده شده است که شخصیت‌های مهم در برخی از وقایع صدر اسلام، گاهی آیات را در معانی‌ای به کار برده‌اند که از بحث‌های موجود در کتاب‌های تفسیر به دست نمی‌آید و در پاره‌ای موارد، آیات قرآن به‌گونه‌ای استفاده می‌شوند که موضوعی که در منابع تاریخی با آنها ارتباط دارند، صحیح نیست.

نویسنده با اشاره به آیه ۶۵ سوره زمر^۲ در تاریخ طبری، که طبری آن را ضمن گزارش جنگ صفین و ماجرای حکمیت آورده است، این نکته را بررسی می‌کند که چرا خوارج در مجادلاتشان با علی علیه السلام در پی پذیرش حکمیت، به این آیه استناد کرده‌اند و در پایان هم نتیجه می‌گیرد که هدف خوارج از استناد به این آیه سازگار کردن آن با مقصود خویش است. ذکر این نکته نیز لازم است که اگرچه درباره ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب، که در پژوهش حاضر نیز به صورت مطالعه موردی به آن پرداخته شده است، مقالاتی در سال‌های اخیر به نگارش در آمده که از جمله آنها می‌توان به مقاله: «پیوند آسمانی؛ نقد افسانه دلباختگی پیامبر صلی الله علیه و آله به زینب دختر جحش»^۳ از علی اسدی و مقاله «بررسی روایی و عقلانی ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله با زینب بنت جحش»^۴ از غلامحسین زرگری نژاد اشاره کرد؛ اما تفاوت پژوهش حاضر با مقالات ذکر شده در این است که این مقالات بیشتر ناظر به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب و دفاع از عصمت آن حضرت درباره این ازدواج بوده است؛ در صورتی که موضوع اصلی این پژوهش نقد و بررسی استنادات قرآنی و درستی و نادرستی آنها در تاریخ طبری است که تا کنون پژوهشی در این باره صورت نگرفته و برای روشن‌تر شدن موضوع، ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب و استناد به آیه ۳۷ سوره احزاب تحلیل و بررسی شده است.

۱. هاوتینگ، جرالد، «دو استناد قرآنی در منابع تاریخی درباره وقایع صدر اسلام»، ترجمه سید علی آقایی، مجموعه مقالات رهیافت‌هایی به

قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت، صص ۲۹۶ - ۲۸۵

۲. (وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ)

۳. اسدی، علی، «پیوند آسمانی؛ نقد افسانه دلباختگی پیامبر (ص) به زینب بنت جحش، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال بیست و سوم،

شماره ۳، صص ۱۰۱ - ۷۴

۴. زرگری نژاد، غلامحسین، «بررسی روایی و عقلانی ازدواج رسول خدا (ص) با زینب بنت جحش، فصلنامه سیره پژوهشی اهل بیت (ع)،

سال چهارم، شماره ششم، صص ۱۱۶ - ۹۷

مفهوم‌شناسی و تاریخچه

واژه «استناد» [ا - ت] در لغت به معنای سند قرار دادن برای چیزی، اتکا و استناد کردن به آیتی یا حدیثی (آذر تاش، ۱۳۷۹ / ۳۰۴؛ دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه)، تکیه کردن به سند یا مدرک و آن را پشتوانه عمل یا ادعا قرار دادن و بدان تمسک جستن است. (معین، ۱۳۷۱، ۱ / ۲۶۰)

استناد در اصطلاح عبارت است از: هرگونه آیه، حدیث، سخن و مانند آن را برای چیز دیگری سند قرار دادن، که با هدف تقویت اقوال افراد صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت مراد از استندهای قرآنی عبارت است از: هرگونه حضور آیه یا دسته‌ای از آیات که مورخ آن را در متن خود به کار برده است و به هنگام نقل یک رخداد یا واقعه تاریخی گاهی برای تأکید و تقویت کلام خود از آنان کمک می‌گیرد و مبنایی قرآنی برای آن پیدا می‌کند.

درباره سیر تاریخی استناد به قرآن کریم باید اشاره کرد که آیات الهی شأن و جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان داشته، و از هنگام نزول آیات در عصر رسول خدا ﷺ و پس از آن از سوی افراد مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. نبی گرامی اسلام ﷺ نخستین فردی بودند که در حوادث و اتفاقات روزمره خویش به آیات قرآن استناد می‌کردند. مجموع گزارش‌های موجود در کتب سیره، بیانگر استناد رسول خدا ﷺ به آیات در حوادث و اتفاقات روزمره خویش است. (ن. ک: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۹۴)

بعد از وفات پیامبر ﷺ صحابه، در مراودات روزانه و مباحث میان خود از آیات الهی بهره می‌بردند و دیگران را نیز سفارش می‌کردند که برای فهم حوادث تاریخی، به قرآن مراجعه کنند. چنانکه ابن عوف گفته است: «اگر بر آنید تا حکایت احد را بدانید آیه ۱۲۰ به بعد آل عمران را بخوانید در آن صورت، گویی که در احد با ما بوده‌اید»^۱. (واقدی، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۱۹)

پس از صحابه، تابعین، که سیره نویسان نخستین نیز در شمار آنان بودند، به صورت گسترده به استفاده از آیات روی آوردند و شیوه استناد به آیات از کتب سیره آغاز شد. آنان قرآن را مطالعه کرده و سعی کردند که برای تبیین بهتر گزارش‌های تاریخی به آیات قرآن استناد نمایند؛ چراکه به بسیاری از حوادث و موضوعات در قرآن اشاره شده است و با تسلط بر مجموعه آیات، درباره موضوعات مختلف، اخباری متناسب با نزول آیات می‌ساختند. برای نمونه حتی برای نام‌گذاری

۱ . همین مطلب را ابن هشام به نقل از ابن اسحاق آورده است که شصت آیه از سوره آل عمران به جنگ احد اختصاص دارد. (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۰۶)

حوادث عصر رسول خدا ﷺ نیز با توجه به آیات قرآن نام انتخاب کردند؛ برای مثال جنگ تبوک به‌عنوان «غزوة العسرة» نام‌گذاری شد؛ (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲/ ۱۲۶) چراکه در آیه «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ» (توبه: ۱۱۷) چنین واژه‌ای به کار رفته است. بعد از سیره‌نویسان مورخان بودند که به تقلید از آنان در گزارش‌های تاریخی خود به آیات قرآن استناد کردند. ازجمله کتاب‌های نگارش یافته از قرن سوم به بعد، که دارای این ویژگی هستند، می‌توان به تاریخ طبری اشاره کرد. از ویژگی‌های مهم تاریخ طبری استفاده از آیات الهی در مباحث مختلف کتاب هنگام نقل وقایع تاریخی است و می‌توان گفت استناد به آیات قرآن، یک ویژگی بارز در تاریخ طبری است.

استنادات قرآنی در تاریخ طبری

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در منابع مربوط به سده‌های نخستین، استناد به آیات قرآن امری رایج بود، رایج‌ترین سیاق برای این موارد جاهایی است که عین سخنان شخصیت‌های اصلی یک حادثه ازجمله خلفا، حاکمان و شورشیان در این منابع نقل شده است و گوینده غالباً ضمن سخنان خود عبارات و کلماتی را بیان کرده که بخشی از متن قرآن است. یکی از این منابع تاریخ طبری است. این کتاب میان کتب تاریخی به‌عنوان یکی از منابع و مراجع دست اول محسوب می‌شود که حاوی اطلاعات بسیار عظیم و مهمی است که مورد مراجعه بسیاری قرار گرفته است. تاریخ طبری شرح زندگی بشر از خلقت آدم تا زمان خود او بوده است. طبری به دلیل بینش خاص تاریخی که داشته، تفصیل بسیاری درباره حوادث آورده و در موارد فراوانی، این تفصیلات در هیچ مأخذ دیگری نیامده است. از ویژگی‌های مهم تاریخ طبری استفاده از آیات الهی در مباحث مختلف کتاب هنگام نقل وقایع تاریخی است. استنادات قرآنی، بخش عمده‌ای از مطالب تاریخ الرسل و الملوك را تشکیل می‌دهد. استناد به آیات قرآن در تاریخ طبری در گزارش‌های مربوط به پیش از اسلام نیز دیده می‌شود. چنانکه مطالب آغازین کتاب وی با آیات قرآن مزین شده است. (ر. ک: طبری، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۰ - ۴)

استنادات قرآنی در این کتاب بیشتر بدون ذکر نام سوره و شماره سوره و آیه و بدون اعراب‌گذاری است که در بیشتر موارد پس از عباراتی همچون «فانزل الله عزوجل» یا «قال الله تعالی» آمده است.^۱ در برخی موارد نیز بدون اشاره به عبارات مذکور آیات با متن ادغام پیدا کرده است.^۲

۱- به‌عنوان نمونه: ن. ک: (تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۳۴۰، ج ۳، ۲۵۱).

۲- پیشین، ج ۳، صص ۶۲ و ۱۲۸.

نحوه استناد به آیات در تاریخ طبری به صورت روایی و غیر روایی است؛ به عبارت دیگر طبری ضمن بیان رخدادها تاریخی، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم به آیات قرآن استناد کرده است. اما بیشترین وجه استناد به آیات در تاریخ طبری به صورت غیرمستقیم است که در آن طبری برای بیان یک واقعه تاریخی روایت‌های متفاوت را از قول راویان حدیث، پیامبر ﷺ، خلفا، صحابه، تابعین و افراد دیگر نقل می‌کند و در بین کلام خود یا پایان بحث مورد نظر به آیات قرآن استناد کرده است. در این گونه از استناد، آیه یا عبارات قرآنی توسط نویسنده به طور مستقیم استفاده نشده است؛ بلکه نویسنده یا مورخ قولی مشتمل بر آیه‌ای از قرآن را از افراد مختلف ضمن یک روایت یا گزارش تاریخی آورده است. (علیخانی و میر، ۱۳۹۵: ۱۶۵)

استنادات قرآنی کاربردهای زیادی در تاریخ طبری دارد. از جمله این استنادات با هدف تبیین و توضیح بهتر وقایع تاریخی است. از آنجاکه اعتبار گزارش‌های تاریخی قرآن فراتر از اعتبار گزارش‌های تاریخی محض است، (بیژنی، ۱۳۹۵: ۱۸۶) طبری برای شرح و توضیح و تبیین بهتر وقایع تاریخی به آیات بسیاری استناد می‌کند؛ برای نمونه درباره غزوه احد به آیاتی از سوره آل عمران استناد می‌کند. (ن.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۲/ ۵۲۶-۵۲۰) ابطال یا تصحیح خبر نیز با استناد به آیات در تاریخ طبری صورت گرفته است که از نمونه آن می‌توان به آیه ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ...﴾ (منافقون: ۱) اشاره کرد. طبری با استناد به این آیه، که خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: هنگامی که منافقان پیش تو آمدند و حتی سوگند نیز یاد کردند سخن آنان را باور نکن؛ چراکه آنان دروغگویند، خبر راستگویی عبدالله بن ابی سلول را باطل می‌داند و صحت خبر زید بن ارقم را گزارش می‌کند. (برای اطلاع بیشتر از این ماجرا ن.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۲/ ۶۰۸-۶۰۱) همچنین استنادات قرآنی در تاریخ طبری برای تکریم یا تحقیر اشخاص^۱، هشدار و انذار^۲ و اشاره

۱. طبری در مواردی برای تحلیل شخصیت‌ها، به آیات قرآن استناد کرده است. به عنوان مثال وی در تکریم عویم بن ساعده، که از صحابی رسول خدا (ص) است، به آیه ﴿رِجَالٌ يَجِبُونَ أَنْ يَنْظَرُوا وَ اللَّهُ يَجِبُ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (توبه: ۱۰۸)، مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه‌خویی کنند و خدا پاکیزه‌خویان را دوست دارد، استناد می‌کند. (طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۲۷۰) نمونه‌ای از تحقیر شخصیت نیز با استناد به آیات درباره ابولهب است که به آیاتی از سوره مسد اشاره شده است. (ج ۲، ص ۳۱۹)

۲. در ماجرای افک، مسطح بن اثاثه یکی از افرادی بود که در تهمت بر علیه عایشه نقش داشت و پس از اینکه بی‌گناهی عایشه ثابت گردید پیامبر (ص) دستور داد تا او را به همراه دو تن دیگر که در رواج این شایعه نقش داشتند حد بزنند و ابوبکر قسم خورد که از این به بعد کمک مالی خود را به مسطح قطع کند که آیه ﴿وَلَا يَأْتِلْ أُولَؤَالِ الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور: ۲۲) نازل شد. طبری این آیه را باهدف انذار و هشدار به ابوبکر به کار برده است. (ج ۲، ص ۶۱۷)

به نکات اخلاقی نیز به کار رفته است.^۱

بیشترین کاربرد استناد به آیات در تاریخ طبری، برای تأیید و تقویت خبر صحیح بوده است. به بسیاری از وقایع تاریخی در قرآن اشاره شده است؛ از جمله می‌توان به غزوه بدر، که سوره «انفال» درباره این غزوه است، غزوه خندق که آیاتی از سوره «احزاب» به این غزوه اختصاص دارد یا تغییر قبله که آیاتی از سوره «بقره» به این ماجرا می‌پردازد و بسیاری از وقایع تاریخی دیگر اشاره کرد. بنابراین طبری نیز با هدف تأیید و تقویت خبر مورد پذیرش خویش هنگام نقل یک واقعه تاریخی از آیات بهره گرفته، و برای آنکه ادعای خود را اثبات کند، آیات قرآنی را ضمیمه اخبار کرده تا تأییدی بر گفته‌هایش باشد. این‌گونه شک و تردید را برطرف کرده و شنونده را به دریافت و قبول ادعا وادار می‌سازد. به این ترتیب برداشت کلی خود را از اخبار یا واقعه مورد نظر با قرآن پیوند می‌دهد تا هم نظر وی تأیید شود و هم ارتباط اخبار یا متن مورد نظر با کلام خداوند به مخاطب نشان داده شود.

این شیوه بارزترین نوع کاربردها در تاریخ طبری است. اما مسئله مهم این است که طبری در بهره‌گیری از آیات قرآنی دچار خطاهایی نیز شده است. مهم‌ترین این آسیب‌ها کم‌توجهی به آیات در بررسی گزارش‌های تاریخی است. ارائه نمونه‌های قابل توجهی از مخالفت برخی اخبار با آیات قرآنی، به‌ویژه اخباری که منزلت و جایگاه رسول خدا ﷺ را زیر سؤال می‌برد، مؤید این بی‌توجهی است و در برخی مواقع برداشت ظاهری از آیات، که آن را با متن مطابقت داده است، از موارد این آسیب‌هاست. از جمله این استنادات اشتباه، که ساحت قدس پیامبر ﷺ و عصمت ایشان را زیر سؤال می‌برد، ماجرای ازدواج پیامبر ﷺ با زینب، بنت جحش است. طبری درباره ازدواج رسول گرامی اسلام ﷺ با زینب، بنت جحش و علت این ازدواج، مطالبی را بیان می‌کند و با استناد به آیه ﴿وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ، فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (احزاب: ۳۷)، قصد اثبات ادعای خویش را دارد. در این بخش قصد بر آن بوده که

۱. طبری در گزارش‌های خود از جنگ صفین، به ماجرای حکمیت اشاره می‌کند که پس از توقف جنگ برای حکمیت، گروهی از سپاهیان امام علی (ع)، با سردادن شعار «لا حکم الا لله» پذیرش حکمیت را کفر دانستند و خواهان ادامه جنگ شدند ولی امام با استناد به آیه (وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَ لَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَ قَدْ جَعَلْتُمْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ كَيْلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ) (نحل: ۹۱) نپذیرفت که عهد و پیمان خود را بشکنند (ج ۵، صص ۷۴ - ۷۲)

درستی و نادرستی تطبیق روایتی که طبری درباره این ازدواج آورده و مستند کردن آن با آیه مذکور تحلیل و بررسی شود.^۱

ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت جحش

از اخبار سال پنجم هجری، که طبری در نقل خبر به آیات قرآن استناد کرده، ماجرای ازدواج رسول گرامی اسلام ﷺ با زینب، دختر جحش است. طبری دو روایت درباره این ماجرا آورده است و در هر دو روایت به آیه ۳۷ سوره احزاب استناد کرده است. در روایت نخست می‌گوید:

حدثت عن محمد بن عمر، قال: حدثني عبد الله بن عامر الأسلمي عن محمد بن يحيى بن حبان، قال: جاء رسول الله ﷺ بيت زيد بن حارثة، فلم يجده، وقامت اليه زينب بنت جحش زوجته فضلا، فاعرض عنها رسول الله ص، فقالت: ليس هو هاهنا يا رسول الله، فادخل بآبي أنت و أمي! فأبى رسول الله ﷺ ان يدخل، و انما عجلت زينب ان تلبس إذ قيل لها: رسول الله ﷺ على الباب، فوثبت عجله، فاعجبت رسول الله ﷺ، فولى و هو يهيمهم بشيء لا يكاد يفهم، الا انه اعلن: سبحان الله مصرف القلوب! قال: فجاء زيد الى منزله، فاخبرته امراته ان رسول الله ﷺ اتى منزله، فقال زيد: الا قلت له: ادخل! فقالت: قد عرضت عليه ذلك فأبى، قال: فسمعتة يقول شيئا؟ قالت: سمعتة يقول حين ولي: سبحان الله مصرف القلوب! فخرج زيد حتى اتى رسول الله ﷺ، فقال: يا رسول الله، بلغني انك جئت منزلي، فهلا دخلت بآبي أنت و أمي يا رسول الله، لعل زينب اعجبتك فافارقها! فقال رسول الله ﷺ: امسك عليك زوجك، ففارقها زيد و اعتزلها و حلت. فبينما رسول الله ﷺ يتحدث مع عائشة، إذ أخذت رسول الله ص غشيه، ففسرى عنه و هو يتبسّم و يقول: من

۱. استنادات اشتباه با هدف اثبات خبر در تاریخ طبری در موارد دیگر نیز مشاهده می‌شود، برای نمونه یکی دیگر از وقایعی که طبری در مستند کردن آن با آیات دچار اشتباه شده، «افسانه غرانیق» است. طبری میان حوادث پیش از هجرت پیامبر ﷺ به این واقعه اشاره می‌کند که شیطان با دستبرد در وحی الهی، هنگام نزول سوره نجم مطالبی شرک‌آمیز را در قالب آیات الهی به رسول خدا ﷺ القا کرده است و آن حضرت نیز بدون اطلاع از این تیرنگ شیطان، همان سخنان را وحی الهی تلقی نموده و بر مردم تلاوت کرده است تا اینکه جبرئیل او را از این فتنه شیطانی آگاه نموده و به حقیقت امر رهنمونش ساخته است. طبری برای اثبات این داستان دروغین به آیه ۵۲ سوره حج استناد کرده است. (تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۳۳۸): اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که طبری به زمان و مکان نزول سوره حج دقت نداشته است؛ چراکه سوره حج، از سوره‌های مدنی است که در اوایل هجرت نازل شده است و در آن از اموری چون امر به حج و جهاد سخن رفته است. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۰۳) و این در حالی است که بنا به نقل ابن مسعود، سوره نجم اولین سوره‌ای است که رسول خدا ﷺ در مکه به‌طور علنی خوانده است. (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، ج ۷، ص ۶۳۹) بنابراین سوره نجم مکی بوده و در سال‌های آغازین بعثت نازل شده، در صورتی که سوره حج مدنی است؛ پس روشن می‌شود که آیه ۵۲ سوره حج سال‌ها پس از افسانه جعلی غرانیق تحقق یافته است؛ چراکه این افسانه به قول مدعیان در سال پنجم بعثت رخ داده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۴۲) بنابراین بین سوره نجم و سوره حج حداقل پنج سال فاصله است.

یذهب الی زینب پیشرها، یقول: ان الله زوجنیها؟ و تلا رسول الله ﷺ: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ...﴾ [احزاب: ۳۷] القصه کلهما.^۱ (طبری، ۱۳۸۷، ۲/ ۵۶۳) طبری در روایت دوم آورده است:

حدثنی یونس بن عبد الأعلى، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: قال ابن زید: کان النبی ﷺ قد زوج زید بن حارثه زینب بنت جحش ابنه عمته، فخرج رسول الله ﷺ یوتا یریده، و علی الباب ستر من شعر، فرفعت الريح الستر فانكشف و هی فی حجرتها حاسره، فوقع إعجابها فی قلب النبی ﷺ، فلما وقع ذلك کرهت الی الآخر، قال: فجاء فقال: یا رسول الله، انی ارید ان افارق صاحبتی، فقال: مالک! ارا بک منها شیء! فقال: لا و الله یا رسول الله، ما رابنی منها شیء، و لا رایت الا خیرا فقال له رسول الله ﷺ: امسک علیک زوجک و اتق الله، فذلک قول الله عزوجل: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخَفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخَشِي النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ، فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَ لَهَا لِأَنَّهَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾، تخفی فی نفسک ان فارقه تزوجتها.^۲ (طبری، ۱۳۸۷، ۲/ ۵۶۵)

۱ . «روزی پیامبر ﷺ سوی خانه زید بن حارثه رفت. زید آنجا نبود و زینب دختر جحش زن زید، با پوشش خانه پیامبر ﷺ روی از او بگردانید. زینب گفت: ای پیامبر خدا زید اینجا نیست، پدر و مادرم فدایت به خانه درآی، ولی پیامبر ﷺ نخواست وارد شود. چنان بود که وقتی گفتند پیامبر ﷺ بر در است زینب فرصت لباس پوشیدن نیافت و شتابان پیامبر ﷺ از دیدن وی به شگفت آمد و برفت و آهسته می‌گفت: تقدیس خدایی را که دل‌ها را دگرگون می‌کند. زید به خانه آمد و زنش گفت که پیامبر ﷺ آمده بود. زید گفت: چرا نگفتی درآیدی؟ گفتم، اما نپذیرفت. زید گفت نشنیدی که چیزی بگوید؟ گفت: وقتی می‌رفت شنیدم که می‌گفت: تقدیس خدایی را که دل‌ها را دگرگون می‌کند. زید پیش پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا شنیدم سوی خانه من رفته بودی. پدر و مادرم فدایت چرا وارد نشدی؟ اگر زینب تو را به شگفتی آورده است من از او جدا می‌شوم. پیامبر ﷺ گفت: زنت را نگهدار. عاقبت زید از زینب جدا شد و از او کناره گرفت و یک روز که پیامبر ﷺ با عایشه سخن می‌کرد، پیامبر ﷺ را حالت وحی گرفت و چون به خود آمد خندان بود و می‌گفت: چه کسی پیش زینب می‌رود و مزده می‌دهد که خدا او را به زنی به من داده است و این آیه را بخواند: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ﴾ [احزاب: ۳۷] «وقتی به آن کس که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی گفتم جفت خویش نگهدار...».

۲ . یونس بن عبد الاعلی گوید: پیامبر خدا ﷺ زینب دختر جحش دخترعمه خویش را به زنی به زید بن حارثه داده بود و روزی به طلب زید سوی خانه او رفت و پرده‌ای موین بر در بود و از وزش باد پرده به کنار رفت و زینب در اطاق خویش سر برهنه بود و اعجاب وی در دل پیامبر ﷺ افتاد و زید از او دوری گرفت و پیش پیامبر ﷺ آمد و گفت می‌خواهم از زینم جدا شوم. پیامبر ﷺ گفت: «مگر چیز بدی از او دیده‌ای؟» زید گفت: «هرگز چیز بدی نبوده و جز نیکی از او ندیده‌ام». پیامبر گفت: «زن خود را نگهدار و از خدا بترس». این سخن خداوند متعال است: (وقتی به آن کس که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی گفتم جفت خویش نگهدار و از خدا بترس و آنچه را در ضمیر خویش نهان می‌داشتی خداوند آشکار ساخت که از مردم بیم داشتی و خدا سزاوارتر بود که از او بیم کنی و چون زید

نقد و بررسی

ظاهر برخی از آیات قرآن از جمله مستندات است که همواره افرادی با تمسک به آنها، عصمت انبیا را به چالش کشیده‌اند. اکثر مفسران و مورخان آیه ۳۷ سوره احزاب را درباره ازدواج پیامبر ﷺ با زینب، بنت جحش دانسته‌اند.^۱ در این آیه نخست ماجرای جدایی زید بن حارثه از زینب آمده و سپس به ازدواج پیامبر ﷺ با ایشان اشاره شده است. در مورد این آیه دو نوع تفسیر وجود دارد: گروهی به داستان دلباختگی پیامبر ﷺ در مواجهه با زینب اشاره کرده، و اذعان داشته‌اند که پیامبر ﷺ درحالی که دلباختگی خود را به زینب در دل پنهان داشته بود، به زید توصیه می‌کرد که همسرش را طلاق ندهد.^۲ (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳ / ۵۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۵ / ۲۰۱) اما گروه دیگر داستان دلباختگی پیامبر ﷺ را کاملاً نادرست، ساختگی و ناسازگار با شخصیت و عصمت ایشان دانسته، و آن را رد کرده‌اند.^۳ (طباطبایی، ۱۳۷۰، ۱۶ / ۴۸۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۴ / ۱۹۱)

برداشت‌های اشتباه برخی مفسران و مورخان از این آیه، سبب شده تا عشق و علاقه قلبی پیامبر ﷺ به زینب، علت اصلی جدایی زید و زینب قلمداد شود. طبری نیز از کسانی است که در تاریخش از ردوبدل شدن نگاهی عاشقانه و شکل‌گیری علاقه پیامبر ﷺ با زینب، هنگام مراجعه به خانه زید، همسر زینب، سخن گفته است. آنچه از روایات طبری برمی‌آید این است که رسول خدا ﷺ از دیدن زینب شگفت‌زده و به ازدواج با وی متمایل شده است و زید نیز چون از این علاقه پیامبر ﷺ به زینب آگاه می‌شود، تصمیم به جدایی از زینب می‌گیرد. طبری این خبر را با آیه ۳۷ سوره احزاب مستند کرده است. مسئله مهمی که وجود دارد این است که طبری درباره ازدواج پیامبر ﷺ با زینب و علت این ازدواج، مباحثی را مطرح کرده است که از نظر عقلانی کاملاً مردود است و با استناد به آیه مذکور درصدد است تا آن را اثبات کند؛ اما به دلایلی که در

تمنایی از او برآورد جفت تو باش کردیم تا مؤمنان را در مورد پسرخواندگانشان وقتی پسرخواندگان تمنایی از آنها برآورده‌اند تکلفی نباشد و فرمان خدا انجام گرفتنی بود) در خود پنهان می‌کنی که [زید] او را طلاق داده و با او ازدواج کنی».

۱. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۷۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۶۱؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۸۴؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۲۱؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۸۱؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۱۷۷؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۱۴۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳۳

۲. قمی در تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۷۳ و طبری در جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۷۳ همین تفسیر را برگزیده‌اند.

۳. همچنین مکارم شیرازی، در تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۲۱ تفسیر نخست را نادرست و به رد آن پرداخته است.

ذیل به آن اشاره می‌شود، تطبیق روایاتی که طبری از دلایل ازدواج پیامبر ﷺ با زینب آورده است با آیه مذکور کاملاً اشتباه است.

بر اساس این روایات گویا رسول خدا ﷺ پیش از این ماجرا با زینب آشنایی نداشته و برای اولین بار است که زینب را از نزدیک می‌بیند. این در حالی است که زینب دختر عمه پیامبر ﷺ بوده است. پدر وی جحش بن رثاب بن یعمر بن صبره بن مرة بن کبیر بن غنم بن دودان بن أسد بن خزیمه بود و مادر وی امیمه دختر عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بود. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۸۰) بنابراین زینب از کودکی برابر چشمان پیامبر ﷺ قرار داشت و همچنین از جمله کسانی بوده که در مکه اسلام آورده و همراه رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه مهاجرت کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۷۱)

همچنین زینب عروس پیامبر ﷺ بود و شخص رسول خدا ﷺ او را برای زید بن حارثه،^۱ پسر خوانده خویش، خواستگاری کرد. حتی در منابع اشاره شده که وقتی رسول خدا ﷺ از زینب خواستگاری کرد، وی نخست فکر می‌کرد که پیامبر ﷺ او را برای خودش خواستگاری کرده است و به آن رضایت داد. اما زمانی که دانست که پیامبر ﷺ او را برای زید در نظر گرفته است، امتناع کرد و گفت: «من برگزیده‌ترین بیوه‌زن قریشم»؛^۲ پس زید را برای همسری خود شایسته نمی‌یابم. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۸۰) به گفته مفسران و راویان پس از نزول آیه ۳۶ سوره احزاب،^۳ زینب گفت: ای رسول خدا راضی شدم و اختیار کار خود را به دست رسول خدا ﷺ داد. (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۶/ ۴۸۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/ ۸۰)

بر اساس آیه ۳۷ سوره احزاب پیامبر ﷺ با اقدام فرزندخوانده‌اش زید برای طلاق دادن زینب مخالف بود و به زید توصیه می‌کرد که از زینب جدا نشود. اما سرانجام زید او را طلاق داد.^۴ به دنبال آن پیامبر ﷺ با زینب ازدواج کرد.^۵ نکته مهمی که وجود دارد این است که در همین آیه

۱. زید بن حارثه بن شراحیل بن کمب غلام حضرت خدیجه بود که پس از ازدواج با رسول خدا ﷺ او را به پیامبر ﷺ بخشید. پیامبر ﷺ او را آزاد کرد و به فرزندخواندگی درآورد. او همواره ملازم و همراه پیامبر ﷺ بود تا اینکه در نبرد موه در سال هشتم هجرت شهید شد. (ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۲، صص ۵۴۶ - ۵۴۲)

۲. فقالت: «یا رسول الله لا أرضاه لنفسی و أنا أیم قریش». (طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸ ص ۸۰)

۳. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ خَبْرَةٌ مِنْ أَمْرِهِمْ»

۴. از دلایل جدایی زید و زینب این بود که همواره میان آنان کشمکش وجود داشت و زید از بداخلاقی زینب نزد پیامبر شکایت می‌برد و پیامبر او را به صبر و تحمل دعوت می‌کرد. (ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۸۲)

۵. ازدواج پیامبر (ص) با زینب پس از بازگشت از غزوه مریسبع در شعبان سال پنجم بود. (بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳۳)

اشاره شده که پیامبر ﷺ مطلبی را در دل پنهان کرده بود و از افشا شدن آن هراس داشت. ولی خداوند آن را آشکار ساخت: ﴿وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ﴾.

از آنجاکه در این آیه شریفه صراحتاً گفته نشده که پیامبر ﷺ چه چیزی را در دلش پنهان کرده بود و از آشکار شدن آن نگران بود و نیز مشخص نبودن ترتیب وقایعی که در این ماجرا رخ داده، سبب شده تا دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود داشته باشد و بر اساس این دیدگاه‌ها، پیامبر ﷺ، دچار هراس از بدگویی، سرزنش و عیب‌جویی مردم بوده است؛ چنانکه برخی راز دل پیامبر ﷺ را اشاره به تصمیم ایشان برای ازدواج با زینب، با انگیزه سرپرستی و دلجویی از او دانسته‌اند؛ زیرا زینب خلاف میل خود و به خواست پیامبر ﷺ با یک برده ازدواج کرد و به‌وسیله او طلاق داده شد و این مایه دل‌شکستگی و تحقیر زینب گردید. (طبرسی، مجمع‌البیان: ۸/ ۱۶۳)

برخی مانند طبری با برداشت ظاهری از آیه در پی اثبات این ادعا هستند که پیامبر ﷺ با دیدن زینب و زیبایی وی به او علاقه‌مند شده و آرزوی ازدواج با او را دارد. اما این مسئله را در دل خود پنهان کرده و از افشای آن می‌ترسد.^۱ اما چنین ادعایی کاملاً خلاف واقع است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد زینب دختر عمه پیامبر ﷺ بود و چنین نبود که پیامبر ﷺ تنها بعد از ازدواج او با زینب به زیبایی او پی ببرد. همچنین این مسئله را خود آیه تکذیب می‌کند؛ زیرا می‌گوید: تو بارها به زینب توصیه می‌کردی که همسرت را طلاق مده و عبارت (إِذْ تَقُولُ) به‌صورت فعل مضارع است و دلیل بر استمرار است و اگر مسئله آن‌گونه که طبری پنداشته است، باشد، باید پیامبر ﷺ از طرح مسئله طلاق استقبال کند، نه اینکه مکرر از آن نهی کند.

تأمل در آیات نشان می‌دهد آنچه رسول خدا ﷺ در دل نهان داشت، آگاهی و حیوانی درباره حتمی بودن طلاق زینب و ازدواج آن حضرت با ایشان بود، نه چیزی دیگر. چنان‌که عبارت ﴿زَوْجَانِكُمَا﴾ (احزاب: ۳۷) «تو را به ازدواج او درآوردیم»، نشان می‌دهد که این ازدواج به امر الهی بوده و خواست پیامبر ﷺ چندان نقشی در آن نداشت. در ادامه برای پیشگیری از هرگونه حرف‌وحدیث مردم، ازدواج با زینب را فریضه الهی و عمل به آن را بدون ایراد می‌داند: ﴿مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ﴾ (احزاب: ۳۸) آیه ۳۹ سوره احزاب^۲ نیز مؤید این معناست که آنچه پیامبر ﷺ به‌سبب ترس از مردم پنهان می‌کرد، فرمان الهی برای ازدواج با زینب بود.

۱. همچنین طبری در تفسیر خود جامع‌البیان، ج ۲۰، ص ۲۷۳ راز دل پیامبر را عشق و دلبستگی به زینب و آرزوی جدایی وی از زینب دانسته است.

۲. ﴿الَّذِينَ يَبُلُّونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾

این همان چیزی بود که پیامبر ﷺ مخفی داشته بود و از افشای آن نگران بود. نگرانی پیامبر ﷺ از آشکار کردن این امر به دلیل سنت «تَبْنَى» بود. تَبْنَى از ماده «ابن» از باب تفعّل به معنای پسر گرفتن و پسر خوانده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۹۱) این سنت یکی از سنت‌های بی‌پایه و اساس دوران جاهلیت بود که کسی فرزند و به‌ویژه پسر شخص دیگری را به‌عنوان فرزند و پسر خودش می‌گرفت و حقوقی که برای پسر خودش در نظر گرفته بود به او هم عطا می‌کرد؛ از جمله این حقوق، احکام مخصوص به ارث و محرمیت است. یعنی وقتی کودکی را پسر خود می‌خواندند، احکام فرزند صلبی را در حق او اجرا می‌کردند. (مقریزی، ۱۴۲۰: ۵۷ / ۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۶ / ۴۱۱) بنابراین در سنت جاهلی ازدواج با همسر پسر خوانده کاری ناشایست بود؛ (ابن سیدالنّاس، ۱۴۱۴: ۲ / ۳۷۷) به عبارت دیگر بر اساس این سنت، ازدواج با زن مطلقه پسر خوانده همانند ازدواج با زن مطلقه حقیقی حرام بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ۱۷ / ۳۲۱) در همین باره خداوند پیامبر ﷺ را در عبارت ﴿وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (احزاب: ۳۷) به دلیل هراس از مردم و پنهان داشتن آنچه در دل دارد مورد عتاب قرار می‌دهد. ذکر این نکته نیز لازم است که ترس پیامبر ﷺ از مردم برای منافع خودشان نبوده، بلکه این ترس درباره خدا و مربوط به دین بوده و نگران بودند مردم به خاطر ازدواجش با همسر زید او را سرزنش کنند و بیماردلان جنجال کنند که چرا با همسر پسرت ازدواج کرده‌ای و در نتیجه ایمان مردم سست شود. بنابراین این ترس، برای خدای سبحان بوده است و جمله ﴿وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾، که ظاهرش نوعی عتاب است که از مردم می‌ترسی؟ بالاینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسی، درحقیقت خلاف ظاهرش، عتاب از یک نوع ترس از خداست. این ترس از خدا از طریق مردم است و می‌خواهد آن حضرت را از این صورت ترس از خدا نهی نموده و به صورتی دیگر هدایت کند و آن این است که در ترس از خدا مردم را دخالت مده و مستقیماً از خدا بترس و آنچه را در دل پنهان کرده‌ای که همان ترس است، از مردم پنهان مکن چون خدا آن را آشکار می‌کند. ﴿مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ﴾ (احزاب: ۳۷)

این خود شاهد خوبی است بر اینکه خداوند بر پیامبر ﷺ خود واجب کرده بود که باید با همسر زید، پسر خوانده‌اش ازدواج کند تا همه بفهمند که همسر پسر خوانده محرم انسان نیست و سایر مردم نیز می‌توانند با همسر پسر خوانده‌هایشان ازدواج کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۶ / ۴۸۳)

درباره تفسیر صحیح آیه ۳۷ سوره احزاب، قرطبی در حدیثی از امام علی بن الحسین (علیه السلام) نقل کرده است: به پیغمبر ﷺ وحی فرستاده شد که زید، زینب را طلاق خواهد داد و پیامبر ﷺ او را

تزوید خواهد کرد. بنابراین هنگامی که زید خدمت پیامبر ﷺ آمد و از اخلاق زینب و عدم اطاعت او شکایت کرد و گفت: در نظر دارد او را طلاق دهد، رسول الله ﷺ او را نصیحت کرد و فرمود: «از این سخن پرهیز و همسرت را نگه دار»؛ درحالی که یقین داشت سرانجام [به خاطر ناسازگاری] از او جدا خواهد شد و با پیامبر ﷺ ازدواج خواهد کرد. [طبق وحی الهی] این همان چیزی است که پیامبر ﷺ در دل مخفی داشت و نخواست او را امر به طلاق کند؛ چراکه از این بیم داشت که مردم به او خرده بگیرند که چگونه همسر مطلقه غلامش را به ازدواج خود درآورده، و او را تشویق به طلاق کرده است. ولی خداوند به خاطر همین معنا پیامبرش را مورد عتاب قرار داد که چرا از مردم در چیزی که خدا مباح ساخته بود بیم داشت و به زید می فرمود: همسرت را نگاه دار؛ باینکه می دانست او را طلاق می دهد و او را آگاه ساخت که خداوند در حال سزاوارتر است که از او بیم داشته باشد. [سپس قرطبی می افزاید]: «علمای ما می گویند: این بهترین سخنی است که در تفسیر این آیه گفته شده است.» (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۴ / ۱۹۰)

از اینجا روشن می شود که آنچه رسول خدا ﷺ در دل پنهان داشته، همین حکم بوده و معلوم می شود که این عمل قبلاً برای آن حضرت واجب شده بود، نه اینکه رسول خدا ﷺ آن گونه که طبری و بعضی مفسرین گفته اند عاشق زینب شده و عشق خود را پنهان کرده باشد و ازدواج پیامبر ﷺ با زینب به دلیل همین دلباختگی بوده باشد. در واقع طبری با برداشت ظاهری از آیه، ازدواج پیامبر ﷺ با زینب را به مسائلی نسبت می دهد که دور از شأن ایشان است. به اعتقاد طبری پیامبر ﷺ در دلش عاشق زینب بود و آرزو داشت زید هرچه زودتر او را طلاق دهد. اما به زبان او را دعوت به نگهداری و صبر می کرد که این نشانه عدم صداقت پیامبر ﷺ است و چنین امری درباره شخص معصوم محال است.

این دسته از روایات با سنت و عصمت پیامبر ﷺ در تعارض است. ایشان بر رعایت عفت و پاکدامنی، تأکید داشته و رعایت عفت در نمونه های متعددی از رفتارهای پیامبر ﷺ به چشم می خورد؛ از جمله از عایشه نقل شده است که روزی أسماء دختر ابوبکر (خواهر همسر پیامبر ﷺ) درحالی که لباسی نازک و بدن نما بر تن داشت، وارد خانه پیامبر ﷺ شد. پیامبر ﷺ با دیدن وی درحالی که روی از وی برمی گرداند، فرمود: «زنی که به سن بلوغ می رسد سزاوار نیست که جز چهره و دو دست او مشاهده شود.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۱۸۱) از این رو پیامبر ﷺ، که در رفتار و گفتار خود مقید به رعایت عفاف بوده و به عالی ترین درجات عفاف رسیده، دلباخته شدن به همسر شخص دیگر برای ایشان امری بعید و غیرممکن خواهد بود. نگاهی به ازدواج های

پیامبر ﷺ نیز این اتهام را از او دور می‌کند. اگر ایشان آن‌گونه که طبری گفته شخصی عاشق‌پیشه بود، با زنان سالخورده و بزرگ‌تر از خود ازدواج نمی‌کرد؛ از جمله آن حضرت در حالی که ۲۵ سال داشت، حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ را که ۴۰ سال داشت و پیش از آن نیز ازدواج کرده بود، به همسری برگزید. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱/ ۹۸) در نتیجه ازدواج ایشان نمی‌تواند از روی عشق و دلباختگی صورت گرفته باشد. با مراجعه به همین سوره احزاب و بررسی همه آیات آن مشاهده می‌شود که جریان همسران پیامبر ﷺ و ازدواج با تک‌تک آنان به دستور خدا بوده است.

حتی پایان ازدواج ایشان نیز به دستور خدا بوده است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَا أَهْبَكَ حُسْنُهُنَّ﴾ (احزاب: ۵۲)

[ای رسول] بعد از این [زنان] دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبدل کردن این

زنان بر دیگر زن، هرچند از حسنشان به شگفت آیی.

درواقع آیه فوق و خصوصاً عبارت ﴿وَلَوْ أَحْبَبْتَ حُسْنُهُنَّ﴾ هم اشاره به این نکته دارد که خداوند مراقب کسانی است که به خاطر زیبایی، زنی را جایگزین همسر خود می‌کنند؛ چراکه در ادامه می‌فرماید: ﴿وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾. همچنین اشاره به پیامبر ﷺ که موظف است حلال و حرام کار خود را از خداوند بگیرد: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ﴾ نباید همسران خود را رها کند و همسری دیگر به جای آنان بگیرد؛ هرچند از زیبایی آنان به شگفت آید. به عبارت دیگر این آیه در بیان توقف ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با زنان است.

بنابراین ازدواج پیامبر ﷺ با زینب، نه به دلیل نگاهی عاشقانه و شگفتی پیامبر ﷺ از دیدن زیبایی زینب و آرزوی ازدواج با او، بلکه به دستور خدا بوده و هدف پیامبر ﷺ از ازدواج با زینب شکستن سنت غلط حرام دانستن ازدواج با همسر فرزندانده است؛ چراکه چنین امری در دوران جاهلیت بسیار ناپسند بود. بنابراین این مسئله یک مسئله اخلاقی و انسانی بود و وسیله مؤثری برای شکستن دو سنت غلط جاهلی (ازدواج با همسر مطلقه پسرخوانده و ازدواج با همسر مطلقه یک غلام و برده آزاد شده) است. خداوند بر پیامبر ﷺ لازم فرمود تا با زینب ازدواج کند تا بدین وسیله رسوم جاهلی از بین برود. (مقریزی، ۱۴۲۰: ۶/ ۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۷/ ۳۲۱) نکته دیگر اینکه طبری در حوادث سال دهم هجری دوباره با استناد به آیه ۳۷ احزاب به ازدواج پیامبر ﷺ با زینب اشاره می‌کند؛ اما این بار دلیل جدایی زینب از زید را، نیاوردن فرزندی برای او می‌داند. (طبری، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۶۵)

نتیجه گیری

آیات قرآنی شأن و جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان داشته و از هنگام نزول آیات در عصر رسول خدا ﷺ و پس از آن از سوی افراد مختلف استفاده شده است. سیره‌نویسان در ذکر دوران زندگی رسول گرامی اسلام ﷺ بیشترین استناد را به آیات قرآن داشته‌اند و پس از آنان مورخان به تقلید از ایشان در بیان رویدادهای تاریخی آیات قرآن را شاهد سخن خود گرفته‌اند. بنابر آنچه گذشت می‌توان دریافت که طبری در تمسک به آیات مقاصد خاصی را دنبال می‌کند و به تأیید و اثبات خبر مورد پذیرش خویش با آیات قرآن عنایت خاص دارد. به همین دلیل با مهارتی بی‌نظیر نهایت استادی و تبحر خویش را به کار برده تا وقایع تاریخی را با آیات مستند کند. اما در بهره‌گیری از آیات دچار آسیب‌هایی نیز شده است. مهم‌ترین این آسیب‌ها کم‌توجهی به آیات در بررسی گزارش‌های تاریخی است.

ارائه نمونه‌های قابل توجهی از مخالفت برخی اخبار با آیات قرآنی، به‌ویژه اخباری که منزلت و جایگاه رسول خدا ﷺ را زیر سؤال می‌برد، مؤید این بی‌توجهی است و در برخی مواقع برداشت ظاهری از آیات که به نگاه یک‌سویه و مجزا دیدن هر آیه است، از موارد این آسیب‌هاست.

منابع

قرآن کریم

۱. - ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
۲. - ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۱۴۱۵)، *الإصابة فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. - _____ (۱۳۲۶)، *تهذیب التهذیب*، چاپ اول، بیروت، مطبعه دائره المعارف النظامیه.
۴. - ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد (۱۹۰۰)، *وفیات الاعیان و أنباء أبناء الزمان*، محقق احسان عباس، المجلد الثالث، بیروت، دارصادر.
۵. - ابن سعد، محمد بن سعد هاشمی بصری (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، چاپ اول، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. - ابن سیدالناس، محمد بن عبدالله بن یحیی (۱۴۱۴)، *عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*، بیروت، دارالقلم.
۷. - ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجلیل.
۸. - ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.
۹. - ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
۱۰. - ابن هشام، عبدالملک (بی تا)، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه.
۱۱. - اسدی، علی (۱۳۹۷)، *پیوند آسمانی؛ نقد افسانه دلباختگی پیامبر ﷺ به زینب بنت جحش، فصلنامه پژوهش های قرآنی*، سال بیست و سوم، شماره ۳، صص ۱۰۱ - ۷۴.
۱۲. - آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹)، *فرهنگ معاصر عربی - فارسی بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور*، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۱۳. - بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲)، *صحیح بخاری*، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.

۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷)، *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل ذکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۱۵. بیژنی، محمد (۱۳۹۵)، «سیره نویسان و قرآن»، *فصلنامه نقد کتاب قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۹۸-۱۸۳.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، *دلائل النبوة و معرفه أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۷. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۲)، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر)* چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف.
۱۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۷)، *تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا*، چاپ اول، تهران، نشرالهادی.
۱۹. داداش نژاد، منصور (۱۳۹۳)، *سیره نویسان و قرآن*، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. دهخدا، علی اکبر و دیگران (۱۳۳۴)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالقلم.
۲۳. رامیار، محمود (۱۳۷۹)، *تاریخ قرآن*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۴. زرکشی، بدرالدین (۱۳۷۶)، *البرهان فی علوم القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العربیة.
۲۵. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۴)، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۶. _____ (۱۳۹۷)، *بررسی روایی و عقلانی ازدواج رسول خدا ﷺ با زینب بنت جحش، فصلنامه سیره پژوهشی اهل بیت (علیهم السلام)*، سال چهارم، شماره ششم، صص ۱۱۶ - ۹۷.
۲۷. زریاب خوئی، عباس (۱۳۷۰)، *سیره رسول الله از آغاز تا هجرت*، تهران، انتشارات

سروش.

۲۸. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو (۱۴۰۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۹. سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۴۱۲)، *الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق سعید المندوب، چاپ دوم، لبنان، دارالفکر.
۳۱. _____ (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور*، قم، مکتب آیة الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۳۲. شوقی، ابوخلیل (۱۳۸۹)، *اطلس قرآن*، ترجمه محمد کرمانی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی - شرکت به نشر.
۳۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴)، *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۴. صبحی، صالح (۱۳۶۸)، *مباحث فی علوم القرآن*، چاپ بیست و چهارم، ناشر: دارالعلم للملایین.
۳۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰)، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.
۳۸. _____ (۱۳۸۷)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث.
۳۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۰. عسگری، سید مرتضی (۱۳۶۲)، *صدو پنجاه صحابی ساختگی*، ترجمه عطا محمد

- سردار نیا، تهران، مجمع علمی اسلامی به همکاری دفتر انتشارات بدر.
۴۱. علیخانی، فاطمه و میر، محمد (۱۳۹۵)، شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای، فصلنامه متن پژوهش ادبی، دوره ۲۰، شماره ۶۹، صص ۱۸۰ - ۱۵۳.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، محقق رسول محلاتی، چاپ اول، تهران، المطبعة العلمیة.
۴۳. فیاض، علی اکبر (۱۳۷۸)، تاریخ اسلام، تهران، چاپ بیستم، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵)، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۵. قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۳۳۲)، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، قاهره: دارالکتب السلطانیة.
۶۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب.
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۵)، بحار الأنوار، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اصغر داغر، چاپ دوم، قم، دارالهجره.
۴۹. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۵۰. _____ (۱۳۸۶)، التمهید فی علوم القرآن، قم، موسسه انتشاراتی التمهید.
۵۱. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۵۲. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۴۲۰)، إمتاع الأسماع، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، چاپ بیست و یکم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه العلمی.
۵۵. هاوتینگ، جerald (۱۳۸۹)، «دو استناد قرآنی در منابع تاریخی درباره وقایع صدر

اسلام»، ترجمه سید علی آقایی، مجموعه مقالات رهیافت‌هایی به قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت، صص ۲۹۶-۲۸۵.

۶۶. - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی‌تا)، تاریخ‌الیعقوبی، بیروت، دارصادر.

۵۷. - یوسفی غروی، محمدهادی و یوسفی، ساجده (۱۳۹۴)، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیع و روش نقد/خبر، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

